
چرا و چطور مصاحبه کنیم

راهنمای تولید محتوای زنده برای بلاگ

امین کاکاوند - ۱۳ آذر نود و شش



به نظرم یکی از جذاب‌ترین انواع محتوا **مصاحبه** است و همه ما مصاحبه‌های خوب را بسیار دوست داریم. از طرفی **انجام دادن یک مصاحبه بی نقص** کار بسیار پرچالشی است که مهارت‌های بسیاری را می‌طلبد. در این نوشته نسبتاً بلند، می‌خواهم به سوالاتی که برای خودم در این زمینه ایجاد شد بپردازم. سوال‌هایی مثل این که **برای پست‌های وبلاگ خود چطور مصاحبه کنیم؟** یا **چطور مصاحبه‌ای بگیریم که بیشترین ارزش را به مخاطبانمان برساند؟** و از همه مهم‌تر این که **برای یک مصاحبه بی نقص چه کارهایی باید انجام دهیم؟**

این پست داستان یک شکست است. شکست من در مصاحبه گرفتن. شکستی که البته منجر به یادگیری شد. یادگیری اینکه چطور می‌توانیم یک مصاحبه بی نقص (تا حد ممکن) داشته باشیم. اما برای اینکه به قسمت یادگیری برسیم، بهتر است داستان شکست را با هم مرور کنیم.

چطور مصاحبه نکنیم؟

اوایل مهرماه، پس از نوشتن **پست قهرمان عصر چک لیست‌ها** می‌خواستم آخرین پست از سری **#چک_لیست** را منتشر کنم. با خواندن پست‌های **بلاگ نیما شفیع‌زاده**، این ایده به ذهنم رسیده بود که اگر بتوانم مصاحبه‌ای با یک فرد با تجربه در این زمینه داشته باشم که در کارهایش به صورت حرفه‌ای از چک لیست‌های مختلف استفاده می‌کند، بسیار مفید و در عین حال جذاب خواهد بود. به دنبال یک فرد حرفه‌ای در این زمینه می‌گشتم که یک روز با یک فرد باتجربه آشنا شدم که در زمینه گردشگری فعالیت می‌کرد و چک لیست‌های کاربردی زیادی را برای کار خود طراحی کرده بود.

با او گرم صحبت شدم و تمام مدت خوشحال بودم که می‌توانم یک پست جذاب و کاربردی بنویسم و کاری کنم که دیگران هم بتوانند از تجربه این شخص استفاده کنند. پس از تمام شدن صحبت‌ها، به او گفتم که در این زمینه چند پست نوشته‌ام و دوست دارم که با او هم مصاحبه کنم و تجربیاتش در مورد چک لیست را به اشتراک بگذارم. او هم موافقت کرد. اما به دلیل محدودیت زمانی که داشت، قرار شد که سوال‌ها را برایش ایمیل کنم و او هم سر فرصت پاسخ‌ها را برایم بفرستد. همه چیز داشت خوب پیش می‌رفت. اما فقط برای یک مدت کوتاه!

به محض این که طرح سوالات مصاحبه را شروع کردم چالش‌ها شروع شدند. چالش‌هایی از جنس این که چه سوال‌هایی بپرسم که پاسخ به آن‌ها بیشترین ارزش را برای مخاطبانم ایجاد کند؟ در یک مصاحبه استاندارد چند سوال می‌پرسند؟ از کجا مطمئن بشوم که مصاحبه‌شونده در فضای پست‌های من قرار گرفته و می‌داند که دقیقاً من چه می‌خواهم؟ و ... اما این‌ها تازه شروع ماجرا بود.

سوال‌ها را طرح کردم و فرستادم. نتیجه یک چیزی شبیه متن پایین شد. یعنی دقیقاً همین متن پایین شد :

من امین کاکاوند هستم. هفته گذشته در حاشیه ... با شما در مورد چک لیست و نحوه استفاده شما از اون گفتگویی داشتم. من در یک سری پست وبلاگی، در مورد چک لیست ها نوشتم و دوست داشتم که آخرین پست در این زمینه رو با یک مصاحبه کاربردی، با فردی که به صورت عملی از چک لیست ها در فعالیتهای استفاده می‌کنه پایان بدم. این سری پست ها رو میتونین از طریق این آدرس مطالعه کنید : [سری پست‌های چک لیست](#)

در ادامه، چند سوال رو قرار دادم که ممنون میشم هر وقت که تونستین مواردی که دوست دارین رو پاسخ بدین تا بتونیم از تجربیاتتون در این زمینه استفاده کنیم. علاوه بر این فایل حاوی سوالات رو هم در پیوست قرار دادم که اگر راحت‌تر بودین از اون استفاده کنید.

سوالات :

- اولین بار چطور با چک لیست ها آشنا شدید؟
- اولین بار، چه شد که احساس کردید برای انجام کارهایتان به چک لیست نیاز دارید؟ اولین فعالیتی که برای آن چک لیست تهیه کردید چه بود؟
- برای تهیه یک چک لیست حرفه‌ای چه مراحل را طی می‌کنید؟
- در طول سال‌های فعالیت‌تان، به چه نکات مهمی برخورد کردید که در تهیه چک لیست حتما باید رعایت شوند؟
- استفاده از چک لیست تا به امروز چه تاثیری در فعالیتهای شما داشته است؟ آیا همیشه مواردی هستند که بدون وجود چک لیست نادیده گرفته می‌شدند؟ اگر اشتباهات به ندرت رخ می‌دهد آیا باز هم نیازی به چک لیست هست؟
- مهم‌ترین چک لیستی که از آن استفاده می‌کنید چه چیزی است؟ جالب‌ترین موردی که در چک لیست‌های شما وجود دارد چیست؟ آیا موردی وجود دارد که اکثر افراد به آن توجه نمی‌کنند اما نقشی حیاتی در موفقیت آمیز بودن فعالیت‌ها دارد؟
- آیا چک لیست‌هایتان را در طول زمان ویرایش می‌کنید؟ برای ویرایش چک لیست چه مواردی را در نظر می‌گیرید؟
- امروز بیشتر برای چه فعالیتهایی چک لیست تهیه می‌کنید؟
- به جز چک لیست از چه ابزارهای دیگری برای ایجاد نظم، ساختار و سیستم در کارهایتان استفاده می‌کنید؟

ممنون از شما

امین کاکاوند

زمانی که داشتیم این سوالات را طرح می‌کردم نمی‌دانم به چه چیزی فکر می‌کردم اما یادم هست که امیدوار بودم جواب‌هایی کامل و بلند بگیرم که من را در نوشتن پس‌جدیدم کمک کند. اما پس از ۲ روز صبر ایمیل جواب داده شد و با تصویر زیر روبرو شدم :

دروود و سیاس

فایل‌های کاربردی تحویل نماینده کلاس شده که تیشون زحمت میکشین و میدن به همه

دوستان

/

پاسخ سوالات

1- از ایام نوجوانی

خریدهای خانواده مجبورم کرد لیستی برای کارهام داشته باشم در ایام -2

نوجوانی

بسته به نوع. معمولا برای اجرای هر کاری در 3 مرحله چک لیست میذارم -3

-کارهای قبل از ان- حین انجام- بعد از ان

4- همه جزئیات حتی آنچه که بدیهی است باید لیست شود -

باعث شده درصد اشتباهات سهوی و فراموشی کم شود. مهم است مورادی هم -5

نادیده گرفته شود برخی اوقات اجتناب ناپذیر است. بر حسب عادت و البته ضرورت

برای کارهای بزرگ و مهم و به ویژه خدماتی حتما چک لیست میذارم

6- در حال حاضر چک لیست خدمات تور. / همه چیز حتی دم دست ترین چیزها/ بله -

!تصور دانستن که در لحظه در اثر غفلت جا می ماند

7-...بله بروزرسانی میکنم. بسته به شرایط زمان و مکان و -

8- بیشتر امور کاری -

9- ابزارهای الکترونیک. تمرین. آموزش -

موفق باشی

...

حس جالبی نبود وقتی با این ایمیل روبرو شدم. اما پس از مدتی عصبانیت و ناامیدی توانستم مرکز کنترل را به درون خودم برگردانم. مطمئنا یک جای کار من اشتباه بود. حتما چیزهایی بود که من نمی‌دانستم و به همین خاطر این مصاحبه با شکست روبرو شده بود.

اما اشکال کار من کجا بود و چرا من نتوانسته بودم یک مصاحبه خوب انجام بدهم؟ و از آن مهم‌تر اینکه اصلا چرا مصاحبه انجام دادن مهم است و هر بلاگری باید یک مصاحبه کننده خوب هم باشد؟ در ادامه می‌خواهیم یک بررسی موشکافانه از این موضوع داشته باشیم.



چالشی بزرگ به اسم مصاحبه

فکر می‌کنم شما الان بهتر از من می‌توانید مشکلات مصاحبه من را حدس بزنید. اما من یک لیست از مشکلات این مصاحبه را در ادامه می‌آورم :

- تعداد سوال‌های بسیار زیاد

ساده‌ترین ایرادی که می‌توان به متن مصاحبه من گرفت این است که تعداد سوال‌هایش بسیار زیاد است. خودتان را به جای مصاحبه‌شونده بگذارید. با ۹ سوال روبرو می‌شوید که بعضی از آن‌ها چند سوال را در خود جا داده و شاید ۱۰۰۰ کلمه جواب داشته باشد. آیا فرصت نوشتن این همه جواب را دارید؟ طبیعی است که از جواب دادن به آن‌ها سر باز بزنید یا سعی کنید در کوتاه‌ترین شکل ممکن جواب آن‌ها را بدهید.

- ارتباط غیر شفاف و بدون پیش زمینه

شاید دارم زیادی وسواس به خرج می‌دهم. اما فکر می‌کنم بدون هیچ آشنایی قبلی و در گفتگوی اول (هرچقدر هم خوب باشد) نباید درخواست مصاحبه داشته باشیم. در گفتگوی کوتاهی که قبل از این ارتباط ایمیلی با این فرد داشتم، به طور مستقیم در مورد خود چک لیست حرف نزد. شاید بهتر بود که یک وقت ملاقات برای گفتگوی دوم از او می‌گرفتم و پس از کمی گفتگوی مستقیم و رسیدن به یک نقطه نظر مشترک، از او وقت مصاحبه می‌گرفتم.

- انتظارات بی جا

الان که نگاه می‌کنم، می‌بینم که به جز انتظار پاسخ‌های بلند متنی که حتی خود من را هم خسته می‌کند انتظار بی‌جای دیگری هم داشته‌ام. لینک به مطالب سری چک لیست که مطالعه آن‌ها شاید حداقل به نیم ساعت زمان نیاز داشته باشد خارج از حوصله کسی است که قرار است به چند سوال ساده پاسخ بدهد. نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم که مصاحبه‌شونده مثل یک دانشجو ابتدا منابع را مطالعه کند و سپس به سوال‌های ما جواب بدهد. من می‌خواستم از تجربیات او استفاده کنم نه دانش تئوری او در یک زمینه خاص.

- انتخاب رسانه اشتباه : ایمیل مصاحبه نیست

کارول تاپس که در نوشتن این پست، از نظرات جالب او بسیار استفاده کرده‌ام، نکته جالبی را گوشزد می‌کند. او می‌گوید که **ارتباط ایمیلی به هیچ وجه نمی‌تواند جای مصاحبه را بگیرد**. راست هم می‌گوید. مصاحبه به یک گفتگوی رو در روی شفاهی نیاز دارد. اگر گفتگوی رو در رو ممکن نیست، گفتگوی تلفنی یا گفتگوی ویدئویی آنلاین بهتر است. گفتگوی متنی، آن هم به شکل ایمیل، دینامیک یا پویایی لازم برای یک مصاحبه را ندارد. علاوه بر این در یک گفتگوی ایمیلی، فرصتی برای پرسیدن سوال‌هایی که ممکن است در حین مصاحبه به ذهنمان برسد وجود ندارد که ضعف بزرگی است. پس بهتر است تا جایی که می‌توانیم از ایمیل استفاده نکنیم.

چرا مصاحبه می‌کنیم؟

به عنوان بلاگ‌نویس وظیفه ما این است که یک ارزش افزوده به زندگی مخاطبانمان اضافه کنیم. یعنی وقتی که پست ما را خواند یک تغییری احساس کند. این تغییر می‌تواند ترغیب به مطالعه بیشتر در یک زمینه باشد یا یادگیری یک تکنیک جدید برای انجام بهتر کارها یا آشنا شدن با یک مدل ذهنی جدید که با آن می‌توان دنیای اطراف را بهتر دید و بررسی کرد. **مصاحبه کردن** یکی از روش‌هایی است که ارزش افزوده زیادی را به پست‌های ما اضافه می‌کند.

بیا با خودمان صادق باشیم. دیگر زمان پست‌های چند صد کلمه‌ای و دل‌نوشته‌ها به سر آمده. نمی‌توان مخاطبان را تنها با چند متن کوتاه که هیچ چیزی به آن‌ها اضافه نمی‌کند راضی نگاه داشت. مصاحبه از یک طرف حس انتقال تجربه را به مخاطب می‌دهد و از طرف دیگر به خاطر کنجکاوی دانستن پاسخ‌های یک شخص خاص که احتمالاً جامعه هدف ما او را می‌شناسد، پست ما را جذاب‌تر هم می‌کند. همه این‌ها باعث می‌شود که تجربه بهتری برای مخاطب و حتی خود ما خلق شود. به هر حال با هر مصاحبه، خود ما هم چیزهای جدیدی را یاد می‌گیریم که شاید در هیچ جستجوی اینترنتی و بین خطوط هیچ کتابی هم پیدا نمی‌کردیم.

بهترین راه برای انجام یک مصاحبه

برای انجام مصاحبه، پیش از هر مهارت دیگری که شما را در مصاحبه کمک کند، شما نیاز به **ارتباطات قوی** دارید. می‌دانم، تصور نویسنده‌ای که گوشه‌ی اتاقش نشسته و پست‌های هیجان‌انگیز می‌نویسد و دیگران به سراغ او می‌آیند و توجیه اینکه «من درونگرا هستم» ساده‌تر هست. اما به عنوان یک بلاگ‌نویس حرفه‌ای، شما باید بتوانید به خوبی **شبکه سازی** کنید.

برای هر مصاحبه، شما باید بتوانید به باتجربه‌ترین و شناخته‌شده‌ترین افراد در آن زمینه دسترسی پیدا کنید و برای این کار نیاز به یک شبکه گسترده دارید تا بتوانند شما را به سمت آن افراد هدایت کنند. پس قدرت **شبکه‌سازی** را دست کم نگیرید و به جای این‌که هر وقت نیاز به یک مصاحبه داشتید به فکر درخواست کردن از افراد بیفتید، از همین امروز ساختن ارتباطات بلندمدت خود را شروع کنید.

با ایجاد ارتباطات بلندمدت با افراد شناخته شده در حوزه حرفه‌ای خود، می‌توانید بعدها و هر وقت که نیاز داشتید به آن‌ها مراجعه کنید و یا از آن‌ها بخواهید که شما را به دیگران معرفی کنند.

چه نکاتی را در مصاحبه در نظر بگیریم؟

حالا که ما فهمیدیم مصاحبه به چه دردی می‌خورد و چرا باید یک شبکه ارتباطی خوب در اطراف خودمان بسازیم، به سراغ نکاتی می‌رویم که رعایت آن‌ها در مصاحبه می‌تواند به ما کمک کند تا یک محتوای منحصر به فرد تولید کنیم و همچنین، در ذهن دیگران، تصویر یک فرد حرفه‌ای را از خود به جای بگذاریم.

- از گفتگو نترسید

قبل‌تر گفتیم که ارتباط ایمیلی، مصاحبه نیست. اما چرا افراد تا این حد به این نوع ارتباط علاقه نشان می‌دهند؟ دلیلش ساده است: ما از گفتگوی زنده و رودررو می‌ترسیم. در گفتگوهای دو نفره، به خصوص با افرادی که پیش از این ارتباطی با آن‌ها نداشته‌ایم و از نظر موقعیت از ما بالاتر هستند، عصبی هستیم و معمولاً به کمی شهامت نیاز داریم. این عصبی بودن معمولاً به طرف مقابل هم سرایت می‌کند و می‌تواند کیفیت مصاحبه ما را به شدت تحت تاثیر قرار دهد. برای غلبه بر این ذهنیت اشتباه باید به این فکر کنید که **دیگران دوست دارند به شما کمک کنند**. شما دارید یک محتوای منحصر به فرد تولید می‌کنید که می‌تواند کیفیت زندگی انسان‌ها را تغییر دهد و اگر اتیکت ارتباط با دیگران را رعایت کنید، همه دوست دارند که به شما کمک کنند. اگر هم وقت نداشته باشند، به شما می‌گویند و شما هم به سراغ فرد دیگری می‌روید. پس از گفتگو با آدم‌ها نترسید (باور کنید می‌دانم که چقدر سخت هست).

- از قبل برای مصاحبه آماده باشید

فرض کنیم شما وقت مصاحبه می‌گیرید و همه چیز به خوبی و خوشی پیش می‌رود. ناگهان در میانه گفتگو، شخص مصاحبه‌شونده از تجربه‌اش در محل کارش صحبت می‌کند و شما از او می‌پرسید: «ببخشید شرکت شما در چه زمینه‌ای فعالیت می‌کند؟»

وظیفه طرف مقابل نیست که همه چیز را برای شما توضیح بدهد. برعکس، شما باید تا جایی که می‌توانید در مورد طرف مقابل تحقیق و مطالعه کنید تا در جلسه مصاحبه، طرف مقابل به

کم‌ترین توضیحات ممکن در مورد خودش نیاز داشته باشد و به جای آن، تنها به موضوع مصاحبه بپردازد.

برای این که بدانید استاندارد مناسب برای شناخت کافی از طرف مقابل چیست می‌توانم به شما بگویم که طرف مقابل باید احساس کند که دارد با یک دوست صحبت می‌کند که به خوبی او را می‌شناسد. یعنی نه تنها می‌داند کار او و مجموعه چیست، بلکه تا حد ممکن از مدل ذهنی و نوع نگاه او به دنیای اطراف خبر دارد.

در این مسیر، مطالعه بلاگ شخص مقابل (اگر دارد) و یا شبکه‌های اجتماعی او و یا مصاحبه‌هایی که با او وجود دارد شما را کمک خواهد کرد. هر چه که می‌توانید در این بخش خلاقیت به خرج دهید. شاید نیاز باشد در دوره‌ای شرکت کنید که آن فرد در آن تدریس یا سخنرانی می‌کند و در این صورت می‌توانید زمینه‌های شکل‌گیری ارتباط با او را فراهم کنید و با یک تیر دو نشان بزنید.

- وقت طرف مقابل بسیار ارزشمند است

کارول تاپس پیشنهاد می‌کند، وقتی که می‌خواهیم از طرف مقابل بگیریم، باید به میزان سهمی که مصاحبه با او در محتوای ما دارد متناسب باشد. اگر یک مصاحبه چند هزار کلمه‌ای نمی‌خواهید بهتر است که بیشتر از ۳۰ تا ۴۵ دقیقه از وقت طرف مقابل را نگیرید.

هرچند نمی‌توان فرمول کلی برای این موضوع صادر کرد اما خود شما می‌توانید در خلال مصاحبه با پرسیدن مستقیم و با مشاهده رفتار مصاحبه‌شونده، بفهمید که آیا وقت بیشتری دارد یا نه. اگر هم نمی‌دانید همیشه این پیش‌فرض را داشته باشید که هر چه وقت کم‌تری از او بگیرید بهتر است و همان استاندارد نیم ساعت تا یک ساعت را رعایت کنید. در این صورت طرف مقابل هم این رفتار حرفه‌ای شما را به خاطر می‌سپارد و اگر بعدها از او وقت بخواهید به راحتی وقتش را در اختیارتان قرار می‌دهد.

- در باب سوالات پایان باز و گرفتن ایده‌های بیشتر.

در سوال پرسیدن سعی کنید از اصغر فرهادی درونتان کمک بگیرید. سوالات پایان باز بسیار مهم هستند. برای مثال اگر از طرف مقابل بپرسید :

«به نظر شما استفاده از مصاحبه در بلاگ مفید است؟»

پاسخ طرف مقابل به این سوال در حالت معمول یا بله است یا خیر. بیشتر از این هم نیاز به تلاش ندارد. اما شما می‌توانید همین سوال را به این صورت بپرسید که :

«شما در پست‌هایتان از مصاحبه استفاده می‌کنید. مصاحبه چه ویژگی‌های مفیدی دارد که باعث می‌شود شما به آن اهمیت بدهید؟»

با پرسیدن این سوال طرف مقابل دوست دارد یک داستان برای شما تعریف کند که به احتمال خیلی زیاد بسیار جذاب خواهد بود.

علاوه بر این شما می‌توانید در انتهای مصاحبه سوالاتی را بپرسید که به شما در گرفتن ایده‌های بیشتر در آینده کمک کند. برای مثال در مورد چک لیست من می‌توانستم بپرسم «به نظر شما علاوه بر چک لیست، چه ابزارهای دیگری هستند که به شما کمک کرده‌اند در صنعت خود از دیگران متمایز شوید و بهتر رشد کنید؟» و با دانستن آن ابزارهای دیگر و مطالعه در مورد آن‌ها یک یا چند پست جداگانه دیگر می‌نوشتیم.

- برای ارتباط بیشتر ... ؟

گاهی پیش می‌آید که پس از اتمام مصاحبه، سوال‌هایی برایمان پیش می‌آید که اگر پاسخ آن‌ها را بدانیم و در پست خودمان بیاوریم، به مخاطبان دید بهتری نسبت به موضوع می‌دهد. برای این کار باید دوباره با فرد مصاحبه‌شونده تماس بگیریم و سوالمان را از او بپرسیم. کاری که بسیار سخت است. چون از جنس گفتگو است.

بهتر است در پایان مصاحبه اول، از او بپرسید که بهترین راه برای ارتباط با او چیست و اگر برایتان سوالی پیش آمد چطور می‌توانید با او در ارتباط باشید.

از گفتگوی با آدم‌ها نترسید و همیشه به یاد داشته باشید که شما می‌خواهید به دیگران کمک کنید و در این راه دیگران هم دوست دارند به شما کمک کنند. رعایت این نکات در نگاه اول دشوار به نظر می‌رسد اما فراموش نکنید که :

مصاحبه گرفتن سخت نیست، مصاحبه به‌دردبخور گرفتن است که سخت است.

- نیما شفیع زاده

برای گفتگو در مورد مصاحبه، به سراغ **نیما شفیع زاده** رفتیم. کسی که ایده مصاحبه در پست‌های بلاگ را از او گرفته بودم. نیما در بلاگش، خود را **گیگ بازاریابی دیجیتال** معرفی کرده. هر چند به تازگی با بازاریابی دیجیتال خداحافظی کرده و وارد دنیای **بازاریابی محتوا** شده است. امیدوارم که از این گفتگو استفاده کنید و لذت ببرید.



برای شروع صحبت‌مان لطفاً خود را معرفی کن و کمی درباره‌ی فعالیت‌هایت توضیح بده.

نیما شفیع‌زاده هستم، متخصص بازاریابی محتوا. در سال ۱۳۹۳ که سرباز بودم، در اینترنت راجع به شبکه‌های اجتماعی مطالعه می‌کردم و خودم هم در شبکه‌های اجتماعی مانند گوگل ریدر و اینستاگرام و... فعالیت داشتم. در آن زمان به صورت جدی دنبال این مباحث نبودم، تا اینکه برادرم **سینا شفیع‌زاده** و **ابراهیم اسکندری** به من گفتند همین کاری که می‌کنم و وقتی که در شبکه‌های اجتماعی می‌گذرانم، نوعی موقعیت شغلی به حساب می‌آید. کمی بعدتر که در سربازی رانده شدم، وقت آزاد بیشتری پیدا کردم و چون همیشه گوشی همراهم بود، درباره‌ی چیزهای مختلفی مثل دیجیتال مارکتینگ و تولید محتوا و... هم در اینترنت جست‌وجو می‌کردم و هم درباره‌شان مطالعه می‌کردم. البته چون در آن زمان منابع محتوایی فارسی بسیار محدود بود، سعی کردم منابع مختلف انگلیسی را هم مطالعه کنم. بعد از دوران سربازی وارد استارت‌آپ **نظر بازار** شدم و سعی کردم مباحثی که به صورت تئوری از جست‌وجوهایم در اینترنت یاد گرفته بودم، به صورت عملی پیاده‌سازی کنم. بعد از آن در استارت‌آپ **پی‌پینگ** به عنوان مدیر بازاریابی مشغول به کار شدم و در حال حاضر هم به عنوان فریلنسر حوزه بازاریابی محتوا در خدمتتان هستم. به علاوه علاقه بسیاری به تولید محتوای **کاربردی**، **ارزشمند** و **تأثیرگذار** دارم. محتوایی که بتواند مخاطبان را شگفت‌زده و مشتاق کند. حوزه مورد علاقه من برای تولید محتوا **حوزه تکنولوژی**، **فناوری اطلاعات** و **دیجیتال مارکتینگ** است.

به نظر تو چرا مصاحبه مهم است و اصولاً چرا به سراغ مصاحبه با افراد مختلف می‌روی؟

بزرگ‌ترین حُسن مصاحبه در این است که محتوای ما را در هر قالبی که باشد زنده می‌کند و آن را به چیزی ملموس‌تر برای مخاطب تبدیل می‌کند. از نظر بومی‌سازی محتواها هم حس بسیار خوبی را در مخاطب ایجاد می‌کند. برای مثال، خیلی وقت‌ها می‌بینیم که در مقالات مختلف از شخصی خارجی نقل قول می‌شود که شاید حرف‌های او با فرهنگ ایرانی چندان هم‌راستا نباشد. اگر بتوانیم از افراد فعال و سرشناس حوزه‌ای که درباره‌اش می‌نویسیم نقل قول کنیم، ارتباط خوبی با خواننده ایجاد می‌شود و مسئله مهم انتقال تجربه بومی به مخاطب هم اتفاق می‌افتد.

در چه مواردی بهتر است مصاحبه انجام دهیم؟ آیا موردی هست که نیاز به مصاحبه نداشته باشد؟

به نظرم در هر حوزه‌ای می‌شود با افراد متخصص آن حوزه مصاحبه انجام کرد. مثلاً خود من برای یکی از بلاگ‌پست‌هایم در مورد **استفاده مهتابی سبز در کله‌پزی‌ها**، با دو طبخ مصاحبه کردم یا در بلاگ‌پستی دیگر که در مورد **مارکام‌منیجرها** نوشته بودم، با **حورا وکیلی** مصاحبه کردم. در بعضی موارد هم مثل **تاریخچه هیپ‌هاپ فارسی**، می‌شده مصاحبه بگیریم؛ اما چون عناوینی که برای توضیح در بلاگ‌پستم انتخاب کرده بودم بسیار زیاد بودند، دیگر نیازی به این کار ندیدم. در واقع مصاحبه با یکی از فعالان این حوزه، آن هم با عناوین بسیاری که انتخاب کرده بودم، آن قدر طولانی می‌شد که باید بلاگ‌پست دیگری هم می‌نوشتیم و چون نمی‌خواستیم بیشتر از این طولانی شود، مصاحبه نگرفتم.

به نظر تو ویژگی مصاحبه خوب و حرفه‌ای چیست؟

به نظرم خود همین سوآلی که مطرح کردی می‌تواند موضوع یک بلاگ‌پست باشد؛ اما فکر می‌کنم بهترین کار برای رسیدن به جواب این سوآل، جست‌وجو در اینترنت است.

درکل، به نظر من ویژگی مصاحبه خوب این است که بتواند پیام شخص مصاحبه‌شونده را به خوبی به مخاطب منتقل کند. برای مثال، خیلی وقت‌ها ما مجبوریم صدای ضبط‌شده از مصاحبه‌شونده را به متن نوشتاری تبدیل کنیم و بعد آن را به‌عنوان مصاحبه منتشر کنیم. دقیقاً مثل کاری که تو برای همین بلاگ‌پست با من کردی. مخاطبی که این بلاگ‌پست تو را می‌خواند، ارتباط چشمی (چشم تو چشم) با ما ندارد و در فضای گفت‌وگوی دونفره ما نیست و رساندن لحن و پیام مصاحبه‌شونده از طریق متن نوشتاری بسیار سخت می‌شود. اینجا هنر مصاحبه‌گیرنده است که باید آن را طوری پیاده‌سازی کند و به مخاطبینش ارائه دهد که کاملاً ملموس باشد.

گاهی هم فرد مصاحبه‌شونده از عباراتی استفاده می‌کند که ممکن است برای جامعه مخاطبان مصاحبه‌گیرنده آشنا نباشد و مصاحبه‌گیرنده مجبور می‌شود که کمی در متن مصاحبه دست ببرد. درواقع ایجاد این تغییرات تا جایی که هم خود مصاحبه‌شونده راضی باشد و هم پیام درست به مخاطب منتقل شود، بسیار دشوار و مهم است.

مصاحبه‌کننده حرفه‌ای باید چه ویژگی‌هایی داشته باشد؟

در جواب این سؤال هم باید اول بگویم که خود این سؤال قابلیت بلاگ‌پست شدن را دارد و می‌شود درباره آن در اینترنت جست‌وجو کرد.

اما به نظر من مصاحبه‌کننده حرفه‌ای باید بتواند به خوبی با مصاحبه‌شونده ارتباط بگیرد و به قول معروف، یخ او را باز کند و فضا را برای پرسیدن سؤال‌ها و انجام مصاحبه‌ای خوب فراهم کند. علاوه‌براین، مصاحبه‌کننده حرفه‌ای باید بتواند نیازها و فرایندها را انجام دهد، از قبیل انتخاب مکان برای مصاحبه، هماهنگی با مصاحبه‌شونده و... را به خوبی مدیریت کند تا مصاحبه با کمترین مشکل پیش برود. شاید در ظاهر این مسائل خیلی سطحی باشد، اما در عمل کاری بسیار دشوار است.

در انتخاب فرد مصاحبه‌شونده، علاوه بر تخصص فرد در زمینه مدنظر، چه عوامل دیگری تأثیرگذار است و خود تو به چه مواردی دقت می‌کنی؟

وقتی می‌خواهم شخصی را برای مصاحبه انتخاب کنم، به دو نکته به‌ظاهر کلی، اما دشوار دقت می‌کنم.

اول اینکه شخصی که می‌خواهم با او مصاحبه کنم، آیا در فضای حرفه‌ای فعالیت خود شناخته‌شده هست یا نه؟ مثلاً کسی که می‌گوید متخصص شبکه‌های اجتماعی است، باید در شبکه‌های اجتماعی حضور مؤثری داشته و شناخته‌شده باشد. مهم است که فرد مصاحبه‌شونده در کار خود چه نتایجی به دست آورده است.

دوم اینکه گاهی پیش می‌آید که شخص در حوزه خود آن قدرها شناخته‌شده نیست؛ آن هم به‌خاطر اینکه شخصی درون‌گراست و حضور فعالی هم در شبکه‌های اجتماعی ندارد، اما تجربه‌های ارزشمندی در آن زمینه خاص دارد و به نظر من آن تجربه بسیار مهم و مفید است.

درکل بسیار مهم است که هدفمان را از انجام مصاحبه بدانیم و براساس آن دست به انتخاب بزنیم.

برای درخواست مصاحبه باید به چه شکل عمل کنیم؟

به نظرم یک سری موارد هست که به شخصیت فرد بستگی دارد و از آنجاکه من خیلی سریع ارتباط برقرار می‌کنم و Ice Breaker هستم، شاید نتوانم پاسخ مناسبی بدهم. اما مشخصاً باید به فرد مصاحبه‌شونده بگویم که

مصاحبه دربارهٔ چیست و فهرست سؤال‌هایی که قرار است از او بپرسیم، برایش بفرستیم تا ذهنیت مناسبی از مصاحبه به دست بیاورد و بتواند خودش را برای مصاحبه آماده کند.

همچنین می‌توانیم دربارهٔ بعضی مسائل به مصاحبه‌شونده اطمینان بدهیم. مثلاً بگوییم حتماً متن مصاحبه را قبل از انتشار برای او می‌فرستیم تا اصلاحات لازم را انجام دهد. به‌علاوه باید هدفمان از مصاحبه و محل اصلی انتشار آن را با صراحت به او بگوییم. مثلاً بگوییم که می‌خواهیم در بلاگ شخصی خودمان دربارهٔ موضوعی مشخص بنویسیم و این مصاحبه را در ارتباط با آن مطلب منتشر می‌کنیم. نکتهٔ مهم این است که فرایند بسیار شفاف باشد و زمانی که می‌خواهیم بلاگ‌پستمان را منتشر کنیم، به طرف مقابل بگوییم؛ چراکه شاید او زمان کافی برای انجام این مصاحبه را تا زمان انتشار بلاگ‌پست ما نداشته باشد. در این صورت باید به سراغ فرد دیگری برویم.

به نظر تو برای انجام مصاحبه باید چه شکلی از گفت‌وگو را انتخاب کنیم؟ گفت‌وگوی حضوری یا آنلاین؟ شفاهی یا کتبی و...؟ ترجیح خود تو برای انجام مصاحبه کدام است و در هرکدام چه مواردی را رعایت می‌کنی؟

خود من اوایل برای انجام مصاحبه، سؤال‌هایم را به‌صورت متنی برای مصاحبه‌شونده‌ها می‌فرستادم و جواب‌ها را هم به‌صورت متنی از آن‌ها دریافت می‌کردم. پس از مدتی به این نتیجه رسیدم که این شکل از مصاحبه زیاد مؤثر نیست و خوب نمی‌شود؛ چراکه نمی‌توان به‌خوبی اطلاعات لازم را از فرد مصاحبه‌شونده دریافت کرد.

بعد از آن تصمیم گرفتم مصاحبه‌ها را به‌صورت گفت‌وگوی شفاهی انجام بدهم و صدای طرف مقابل را ضبط کنم و بعد به‌صورت متن، پیاده‌سازی کنم. کم‌کم هم متوجه شدم که در این حالت، افراد چقدر راحت‌ترند و دوست دارند خودشان را با صحبت کردن خالی کنند. درنهایت به این نتیجه رسیدم که این روش خیلی کارآمدتر از روش اول است.

البته گاهی هم پیش می‌آید که امکان مصاحبهٔ رو در رو وجود ندارد. در این مواقع سؤال را برای شخص مصاحبه‌شونده می‌فرستم و به او می‌گویم که اگر مشکلی ندارد، جواب خود به این سؤال‌ها را ضبط کند و برای من بفرستد. البته گاهی هم محدودیت‌های دیگری پیش می‌آید. برای مثال در [مصاحبهٔ من با نیما اکبریور](#)، نیما گفت که با نوشتن راحت‌تر است. من هم گفتم مشکلی نیست، اما جواب‌های بلند و شفاف بنویسد که شروع و پایان مشخص داشته باشند و او هم قبول کرد. بعد از اینکه جواب سؤال‌ها را فرستاد، من از دید مخاطب خودم آن‌ها را خواندم و جاهایی که فکر می‌کردم می‌تواند مبهم باشد مشخص کردم و کامنت گذاشتم و دوباره فایل Word را برایش فرستادم تا اصلاحات را انجام بدهد و بعد به یک مصاحبهٔ کامل و جامع رسیدیم.

همچنین در مصاحبه رو در رو باید توجه داشته باشیم که انتخاب زمان و محل مصاحبه را تا جای ممکن به عهدهٔ مصاحبه‌شونده بگذاریم تا بتواند هر زمان و هر جایی که راحت هست، انتخاب کند.

برای انتخاب سؤال‌هایی که می‌خواهی در مصاحبه بپرسی از چه روشی استفاده می‌کنی؟ معمولاً چند سؤال می‌پرسی؟ سؤال‌ها را یکی‌یکی می‌پرسی یا همه را همان اول مطرح می‌کنی؟

من معمولاً دربارهٔ موضوعاتی که در بلاگ‌پستم راجع به آن‌ها توضیح می‌دهم، از مصاحبه‌شونده سؤال می‌پرسم و سعی می‌کنم که نظر آن‌ها را دربارهٔ این موضوعات بدانم. خیلی‌وقت‌ها هم یک سری سؤال مشخص می‌پرسم که دوست دارم راجع به آن‌ها صحبت بشود، ولی در حین مصاحبه صحبت‌هایی پیش می‌آید که بهتر است مطرح شود و من بعد از اتمام مصاحبه برای آن‌ها سؤال طرح می‌کنم و در یک قسمت جداگانه آن‌ها را می‌آورم.

معمولاً هم ۴ سؤال اصلی برای مصاحبه مشخص می‌کنم. در حین مصاحبه هم حدود ۳ سؤال دیگر پیش می‌آید و گاهی به ۱۰ سؤال هم می‌رسد. اوایل که مصاحبه می‌کردم فقط یک سؤال می‌پرسیدم، اما بعدها با خود گفتم من که این کار پرچالش را انجام می‌دهم، چرا بیشتر سؤال نپرسم؟ به این ترتیب به مدل امروز مصاحبه‌هایم رسیدم.

به نظر تو طول مصاحبه استاندارد باید چقدر باشد؟

طول مصاحبه کاملاً به شرایط بستگی دارد. اگر مصاحبه ما متنی باشد، بیشتر به حوصله مخاطبمان بستگی دارد. اینکه مخاطب قبل از رسیدن به مصاحبه، چقدر وقت گذاشته و چه محتوایی درباره موضوع مصاحبه دریافت کرده. برای مثال خود من پیش از آوردن مصاحبه، مباحثی را درباره موضوع مدنظر مطرح می‌کنم و بعد مصاحبه را می‌گذارم. مهم این است که حق مطلب ادا شود و مصاحبه‌کننده باید تصمیم بگیرد که برای رسیدن به این هدف، یعنی رساندن پیام مناسب به مخاطب و درعین حال خسته‌نشدن او، چقدر زمان لازم دارد. گاهی شاید ۵ ساعت گفت‌وگو با یک نفر انجام دهیم، اما تنها ۲ دقیقه از آن مصاحبه هم کافی باشد. گاهی هم شاید مصاحبه‌شونده صحبت‌های هیجان‌انگیز و دست‌اولی را ارائه کند که ارزش انتشار در قالب چند بلاگ‌پست را داشته باشد.

بعد از انجام مصاحبه معمولاً بهتر است چه کارهایی انجام بدهیم؟

من بعد از مصاحبه معمولاً از طرف مقابل تشکر می‌کنم و تاریخ انتشار بلاگ‌پست را به او می‌گویم. پیش از انتشار بلاگ‌پست هم متن مصاحبه را برای او می‌فرستم تا تأیید نهایی را از او بگیرم. پس از انتشار بلاگ‌پست هم لینک بلاگ‌پست و لینک جاهایی که این بلاگ‌پست را به اشتراک گذاشته‌ام برایش می‌فرستم که اگر در آن‌ها حساب کاربری داشت، مصاحبه را به اشتراک بگذارد.

به نظر تو ناپیادهایی که باید در مصاحبه رعایت کنیم، چیست؟

به نظر من نباید اصلی این است که وقتی مصاحبه‌شونده نمی‌خواهد اطلاعات بدهد، پافشاری نکنیم. ما خبرنگار نیستیم و مصاحبه سیاسی هم انجام نمی‌دهیم. فقط می‌خواهیم اطلاعات ارزشمندی که به مخاطب ما کمک می‌کند، دریافت کنیم. پس نباید آدم‌ها را در منگنه قرار بدهیم و در کل سؤالی که دانستن جواب آن هیچ ارزشی ندارد و چیزی به کسی اضافه نمی‌کند، بپرسیم.

آیا در مصاحبه از ابزار خاصی استفاده می‌کنی؟

من از رکورد گوشی موبایلم برای ضبط صدای مصاحبه‌شونده استفاده می‌کنم و همیشه هم خودکار و کاغذ با خودم همراه دارم تا ایده‌هایی که در همان لحظه به ذهنم می‌رسد یادداشت کنم و بعداً موقع پیاده‌سازی صدای ضبط‌شده، از آن‌ها استفاده کنم.

پیش از مصاحبه

- مطمئن باشید که دیگران دوست دارند به شما کمک کنند
- مشخص کردن موضوع دقیق مصاحبه + یک توضیح مختصر
- تهیه لیستی از افراد متخصص در زمینه مورد نظر (از ارتباطات خود یا دیگران استفاده کنید)
- ارتباط با فرد یا افراد مورد نظر
- فرستادن موضوع و توضیحات مصاحبه
- گرفتن وقت برای مصاحبه (اطمینان دادن از امکان اصلاحات پس از مصاحبه، مشخص کردن زمان انتشار پست و ضرب‌العجل برای نهایی شدن)
- مشخص کردن مکان مصاحبه (مکان مصاحبه/اولویت با انتخاب مصاحبه‌شونده/، نوع مصاحبه/ ترجیحا حضوری، ترجیحا شفاهی/، مصاحبه آنلاین/ رسانه ترجیحی مصاحبه‌شونده/)
- فرستادن سوالات

فرایند مصاحبه

- ضبط کننده صدا به همراه داشته باشید (تلفن همراه، کارکرد درست چک شود)
- خودکار و دفترچه به همراه داشته باشید
- معرفی خود و تلاش برای گرم کردن فضای گفتگو
- مطلع شدن از محدودیت زمانی مصاحبه‌شونده
- یادداشت سوالاتی که حین گفتگو پیش می‌آید
- مصاحبه‌شونده را تحت فشار قرار ندهید
- پرسیدن بهترین راه ارتباطی در صورت داشتن سوال‌های بیشتر

پس از مصاحبه

- تبدیل صوت مصاحبه به متن
- فرستادن متن مصاحبه برای مصاحبه‌شونده برای اصلاحات (اعلام زمان انتشار پست و مشخص کردن زمان دریافت مصاحبه اصلاح شده، درخواست گذاشتن لینک به ارجاعات/از جمله سایت خود مصاحبه‌شونده/ در هر جا که لازم بود)
- فرستادن لینک بلاگ‌پست و پست شبکه‌های اجتماعی که در آن به اشتراک گذاشته شده
- تشکر از شخص مصاحبه‌شونده

پیوست ۲ : اگر مجبور به مصاحبه ایمیلی شدیم چه کار کنیم؟

اگر هیچ راه دیگری به جز مصاحبه از طریق ایمیل و به صورت متنی نداشتید می‌توانید با رعایت چند نکته، تا حد ممکن مصاحبه خود را بهبود ببخشید.

انتظارات خود از مصاحبه را به مصاحبه‌شونده منتقل کنید

به مصاحبه‌شونده بگویید که شما انتظار پاسخ‌های کوتاه را ندارید و تا حد ممکن سعی کند پاسخ‌های خود را با شرح و بسط کافی بنویسد. علاوه بر این از او بخواهید که شروع و پایان پاسخ‌هایش به یک سوال مشخص باشد و ساختار جملات رعایت شود.

روش پیشنهادی نیما شفیع‌زاده

همانطور که در مصاحبه مطالعه کردید، روش نیما شفیع‌زاده به این صورت است که پس از مشخص کردن انتظارات خود از مصاحبه و اعلام آن به مصاحبه‌شونده، سوالات را در قالب یک فایل Word برای او می‌فرستید. پس از دریافت پاسخ‌های مصاحبه‌شونده یک بار از دید مخاطب بلاگ خود، موارد مبهم را مشخص کنید و روی آن کامنت بگذارید و از مصاحبه‌شونده بخواهید که این موارد را شفاف کند.

روش پیشنهادی کارول تاپس

کارول تاپس پیشنهاد می‌کند که استفاده از راهکار **فقط یک سوال** می‌تواند راهگشا باشد. در این روش شما فقط یک سوال از مصاحبه‌شونده خود می‌پرسید و پس از این که پاسخ آن سوال را دریافت کردید سوال بعدی را برایش می‌فرستید.

این روش از این جهت مناسب است که هر سوال وقت زیادی را از مصاحبه‌شونده نمی‌گیرد و او می‌تواند با خیال راحت پاسخ‌های بلند خود را برای هر سوال بنویسد بدون این که نگران تعداد زیاد سوالات شما باشد.